

شرکت‌های چند ملیتی و کشورهای توسعه نیافته

سعید ره‌نما

بازترجمه سه مقاله از:

پل سویزی

رونالد مولر

نیکوس پولانزاس

www.golshan.com

مجله تخصصی مدیریت و بازرگانی

شرکتهای چندملیتی و کشورهای توسعه نیافته

سعید رهنما

با ترجمه سمقاله از:

پل سوپزی

رونالد مولر

نیکوس پولانزاس


انشارات بهرادان



انتشارات گلشان

شرکت‌های چند ملیتی و کشورهای توسعه نیافته

چاپ اول: ۱۳۵۷

چاپ: چاپخانه فاروس ایران-تهران

حق چاپ محفوظ است.

www.golshan.com

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

پست: ۱۹۸۸۸۸

تهران، خیابان گلشانی

انتشارات گلشان

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
شرکت‌های چندملیتی و کشورهای توسعه نیافته	سعید رهنما
مقدمه	۹
۱. مشخصات شرکت‌های چند ملیتی	۱۴
۲. روند بین‌المللی شدن سرمایه و ظهور شرکت‌های چند ملیتی	۲۰
۳. تقسیم کار جدید جهانی و تغییرات الگوی سرمایه‌گذاری	۲۹
۴. الگوی مالکیت و مشارکت شرکت‌ها در کشورهای توسعه نیافته	۳۶
۵. اهمیت اقتصادی کشورهای توسعه نیافته از دیدگاه شرکت‌ها	۴۴
۶. اثرات کلی اقتصادی-اجتماعی شرکت‌ها بر کشورهای توسعه نیافته	۵۲
منابع و مأخذ	۷۶
شرکت‌ها و بانک‌های چند ملیتی	پل سویری
	۸۵

شرکت های چند ملیتی و توسعه نیافتگی جهان سوم . . . رونالد موئر

۱۰۱ مقدمه

۱۰۴ شرکت های چند ملیتی و مفهوم توسعه نیافتگی
(زمینه نهادی، ساخت تکنولوژی، ساخت مالی)

۱۱۶ . . . تأثیرات ساختی شرکت های چند ملیتی: تراکم و قدرت

۱۱۹ . . . افسانه یا واقعیت: کمک های شرکت های چند ملیتی
(کمک تکنولوژی: اشتغال، توزیع در آمد، هزینه ها)

(کمک های مالی: جذب شرکت ها، منشأ سرمایه مالی شرکت ها، خرید
سهام شرکت های داخلی)

(کمک به ترازپرداخت ها: ممنوعیت ها، قیمت گذاری، سود واقعی،
صادرات و واردات، تجارت مثلی)

۱۵۷ خلاصه و نتیجه گیری

۱۶۰ منابع و مأخذ

ضمیمه: بین المللی شدن (دایم سرمایه داری . . . نیکوس پولانزاس

۱۶۵

۱۸۲ منابع و مأخذ

۱۸۵ واژه نامه

شرکت‌های چند ملیتی عمده‌ترین وسیله عملکرد سرمایه انحصاری جهانی و مهم‌ترین عامل سلطه امپریالیستی‌اند. عملیات این شرکت‌ها، بخصوص در کشورهای توسعه نیافته، اثرات عمیقی را بر ساخت اقتصادی - سیاسی این کشورها باقی می‌گذارد. برای شناخت اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشورهای توسعه نیافته، درک ماهیت و نحوه عمل این شرکت‌ها بسیار ضروری است، چرا که بدون تجزیه و تحلیل انضمامی اثرات سرمایه انحصاری بر ساخت کشورهای وابسته، هیچ نظریه درستی را در مورد این کشورها نمی‌توان ارائه داد.

کتاب حاضر تلاشی است در راه شناسایی عملکرد این شرکت‌ها در کشورهای وابسته. این مجموعه از سه قسمت و یک ضمیمه تشکیل شده است. در نخستین قسمت، که توسط نگارنده تهیه شده، ابتدا به ویژگی‌های شرکت‌های «چند ملیتی» و چگونگی پیدایش آنها اشاره می‌شود، و پس از تبیین تقسیم کار جدید جهانی و دیگر گونی‌های الگوی سرمایه‌گذاری، الگوی مالکیت و مشارکت شرکت‌ها در کشورهای توسعه نیافته، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. آنگاه اهمیت اقتصادی کشورهای توسعه نیافته و علل سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی در این کشورها بررسی می‌شود. در آخر این نوشته پی‌آمدهای کلی اقتصادی و اجتماعی عملکرد این شرکت‌ها به اختصار تشریح می‌شود و به تأییراتی که آنها بر مهم‌ترین جنبه‌های اقتصادی - سیاسی کشورهای توسعه نیافته، یعنی تأثیر بر ساخت دولت، بر جریان صنعتی شدن و بالاخره بر طبقات و گروه‌های اجتماعی باقی می‌گذارند اشاره می‌شود. در این نوشته کوشش شده که در هر مورد به دیدگاه‌های گوناگون صاحب نظران و متفکران مختلف اشاره شود و ماهیت و آثار واقعی این شرکت‌ها، به استناد اطلاعات و آمارها و مطالعات انجام شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در پاره‌ای موارد، ناچاراً به مفاهیم اقتصادی و سیاسی و نیز به مباحث نظری، به شکل بسیار فشرده‌ای، چه در متن و چه در زیر نویس‌ها، اشاره شده است.

در قسمت دوم کتاب، ترجمه مقاله کوتاه ولسی بسیار مهم «شرکت‌ها و بانک‌های چند ملیتی» نوشته «هل سویزی»، آمده است. در این مقاله، سویزی به آثار منفی و نامطلوب عملکرد شرکت‌ها در «جهان سوم»، و نیز به بحران

مالی جهان سرمایه‌داری اشاره می‌کند.

قسمت سوم به ترجمه مقاله «شرکت‌های چندملیتی و توسعه نیافتگی جهان سوم» نوشته «رونالد مولر» اختصاص یافته است. در این مقاله، که از نظر آماری اهمیت دارد، مولر ادعاهای مربوط به آثار مثبت عملکرد شرکت‌های چند ملیتی بر اوضاع اقتصادی کشورهای جهان سوم را مورد بررسی قرار می‌دهد و به استناد آمار و ارقام گوناگون این ادعاها را مردود می‌شمارد. در «ضمیمه» کتاب، ترجمه و تلخیص مقاله «بین‌المللی‌شدن روابط سرمایه‌داری...» نوشته «نیکوس پولانزاس»، آمده است. (از پولانزاس که از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان امروز اروپا است، تا کنون در زبان فارسی اثری به چاپ نرسیده است. از آثار مهم او می‌توان به قدمت سیاسی و طبقات اجتماعی؛ فاشیسم و دیکتاتوری؛ بحران دیکتاتوری؛ دولت، قدرت، سوسیالیسم (اشاره نمود). با آنکه مطالب مورد بحث در اصل مقاله «بین‌المللی‌شدن روابط سرمایه‌داری...» بیشتر به تجزیه و تحلیل رابطه کشورهای امپریالیستی با یکدیگر، بویژه رابطه بین آمریکا و اروپا مربوط می‌شود، با وجود این، قسمت‌هایی از آن مقاله در مورد رابطه کشورهای متروپل و کشورهای توسعه نیافته اقماری نیز مصداق می‌یابد و همین قسمت‌ها است که به فارسی برگردانده شده است. نوشته‌های پولانزاس، چه در سبک و چه در محتوا، بسیار پیچیده و مشکل است و درک مطالب آن نیازمند دقت و حوصله فراوان است.

زیر نویس‌های کتاب بجز در مواردی که اشاره شده، از نگارنده است. مأخذی که در متن نوشته‌ها به آن‌ها استناد شده، در زیر نویس هر صفحه، با اشاره به نام نویسنده و ذکر سال انتشار اثر در پرانتز و ذکر صفحه مربوطه، تنظیم یافته است، و در آخر هر نوشته فهرست کامل این مأخذ به ترتیب حروف الفبا و سال انتشار درج شده است.

در اینجا لازم می‌دانم از دوست عزیزم آقای علی کشتگر و از هایدی منغی که متن را خوانده‌اند و نکات اصلاحی مهمی را به اینجانب متذکر شده‌اند و نیز از آقای خسرو شاپوری که در آماده کردن کتاب برای چاپ محبت فراوان نموده‌اند و نیز از آقای ناصر علیمردانی که کار پرزحمت حروف‌چینی و چاپ را با کمک همکارانشان بانجام رسانده‌اند سپاسگزار می‌نمایم. امید است انتشار این کتاب، با وجود کمبودهای بسیارش، بتواند به شناخت عملکرد و اثرات سرمایه‌انحصاری جهانی بر کشورهای توسعه نیافته، کمک کند.

شرکت‌های چند ملیتی و کشورهای توسعه نیافته

www.golshan.com

نویسنده: سعید رهنما

www.golshan.com

مقدمه

از جنگ جهانی دوم به این سو، دنیا شاهد رشد روزافزون شرکت‌های به اصطلاح «چندملیتی» بوده است. امروزه عملکرد این شرکت‌ها در سطح جهانی به گونه‌ای است که بندرت می‌توان کشور، ناحیه و یا منطقه‌ای را یافت که بطریقی در معرض اثرات آن‌ها قرار نداشته باشد. این‌ها کارخانه‌های خود را تقریباً در هر جا که بخواهند برپا می‌کنند و محصولات خود را به هر شکل که مایل باشند بفروش می‌رسانند. از هرملیتی مدیر و کارمند به کار می‌گمارند و مبالغ هنگفت را به صورت ارزهای مختلف به جریان می‌اندازند. بسیاری از آن‌ها، از نظر مالی بزرگتر از اقتصاد پاره‌ای از کشورهای جهان هستند. برای مثال ارزش افزوده هر یک از ده شرکت بزرگ جهانی در سال ۱۹۷۱ متجاوز از ۳ میلیارد دلار یا به بیان دیگر بزرگتر از تولید ناخالص ملی بیش از هشتاد کشور جهان بوده است. در سال ۱۹۷۶، فروش هر یک از ده شرکت بزرگ امریکایی به بیش از یازده میلیارد دلار بالغ گردید.^۱

۱. Fortune (may 1976) امروزه فروش سالانه شرکت‌هایی چون «اکسون» (Exxon) و «جی. ام» (G.M) به بیش از ۴۵ میلیارد دلار بالغ می‌گردد.

تولید بین‌المللی توسط شرکت‌های چند ملیتی، به‌روایتی امروزه به ۵۰۰ میلیارد دلار بالغ گردیده است.^۱ مطالعه‌ای که توسط «گات»^۲ انجام شده نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از تجارت جهانی نیز مربوط به داد و ستدهای فیما بین این شرکت‌ها است.^۳ این‌ها انحصار تکنولوژی را در جهان سرمایه‌داری در اختیار دارند و از نظر مالی دارای آنچنان قدرتی هستند که به راحتی قادرند با انتقال بخشی از موجودی پولی خود از يك ارز به ارز دیگر برای هر کشوری بحران پولی و ارزی بوجود آورند. يك بررسی نشان می‌دهد که مجموع دارایی نقدی^۴ در جریان این شرکت‌ها در سال ۱۹۷۰ به ۳۰ الی ۳۵ میلیارد دلار، یا سه برابر ذخیره دولت امریکا بالغ گردید.^۵

این شرکت‌ها به‌رغم اندازه غول‌پیکرشان، سرعت در حال رشد هستند. درواقع نرخ رشد تولید بین‌المللی از نرخ رشد «تولید ناخالص داخلی»^۶ و نرخ رشد صادرات جهانی تجاوز کرده است. بین سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۷۱، تولید ناخالص داخلی اقتصادهای مبتنی بر بازار، بر اساس قیمت‌های جاری بطور متوسط حدود ۹ درصد افزایش یافت، اما در همین زمان تولید بین‌المللی، سالانه بطور متوسط حدود ۱۳ درصد

۱. Behrman (1972) باید توجه داشت که محاسبه میزان تولید بین‌المللی بسته به متدولوژی مورد استفاده و عوامل مسورد نظر متفاوت است. مثلاً گزارش سازمان ملل (U.N. Ropert (1973 این رقم را حدود ۳۳۰ میلیارد دلار تخمین می‌زند.

2. GATT

۳. به نقل از (Palloix (1973) p,81

4. Liquid asset

5. Tugendhat (1971) p,161

6 Gross Domestic Product

رشد نشان داد.^۱ مآخذ دیگری نشان می‌دهد که نرخ رشد این شرکت‌ها سالانه حدود ده درصد است، و این میزان دو برابر نرخ رشد تولید ناخالص ملی جهان و چهل درصد سریع‌تر از رشد صادرات جهانی است.^۲ بدین سان «شرکت‌های چند ملیتی» امپراتوری‌های عظیم صنعتی و تجاری خود را گسترش می‌دهند و به شکل فزاینده‌ای در بخش‌های وسیع‌تری از حیات اقتصادی کشورها رخنه می‌کنند. «استیفن هایمر» بر اساس روند رشد فعلی این شرکت‌ها پیش‌بینی می‌کند که در آینده‌ای نه‌چندان دور رژیم متشکل از ۳۰۰ تا ۴۰۰ شرکت چند ملیتی بر بیش از شصت تا هفتاد درصد کل بازده صنعتی جهان حکومت خواهد کرد.^۳ در نهایت عملکرد این شرکت‌ها بسیار پیچیده و گاه شگفت‌آور است. آن‌ها به دنبال کسب منفعت و رشد و گسترش عملیات شرکت‌اند و در این راه به منافع «ملی» چندان نمی‌اندیشند و بیش از هر چیز سود «بین‌المللی» شرکت مورد توجه‌شان است.^۴

1. U.N. Report (1973) P, 14:

این رقم بر مبنای میزان فروش شرکت‌های خارجی وابسته به شرکت‌های امریکایی بین سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۶۸ بر اساس قیمت‌های جاری محاسبه شده.

2. Dunning (1971) p, 19

3. Hymer (1970):

البته این نوع محاسبات ضمن آن که بیانگر پاره‌ای از واقعیات کنونی هستند، اگر بدون در نظر گرفتن روند تشدید تضادهای درونی و بیرونی کشورهای

متروپل مطرح شوند، گمراه‌کننده خواهند بود.

۴. مثلاً، شرکت معروف امریکایی، (آی. تی. تی)، در جنگ جهانی دوم، از طریق یکی از شرکت‌های وابسته‌اش، ۲۸٪ سهام شرکت فوکه ولف (Focke)

wulf) را که برای بمباران کشتی‌های امریکایی و متفقین بمب افکن می‌ساخت،

خریداری کرد و به این ترتیب در بمباران کشتی‌های «کشور» خود به طریقی

نقش داشت. جالب‌تر آنکه سی سال بعد، آی. تی. تی. بخاطر جبران خسارات ←

با چنین قدرتی است که این شرکت‌ها حاکمیت دولت‌ها را به مبارزه می‌خوانند و اقتدار آنها را مورد تردید قرار می‌دهند. بدیهی است که تمام دولت‌ها به شکل یکسان تحت تأثیر این شرکت‌ها قرار نمی‌گیرند. دولت‌های «موظن» شرکت‌ها به شکلی متفاوت از دولت‌های به اصطلاح «میزبان» تحت تأثیر این شرکت‌ها قرار می‌گیرند. وضع دولت «میزبان» به اصطلاح توسعه یافته نیز بدیهی است که با وضعیت دولت میزبان به اصطلاح «در حال توسعه» تفاوت می‌کند. هر چند این شرکت‌ها عمدتاً علاقه‌مند سرمایه‌گذاری و گسترش فعالیت‌های خود در کشورهای پیشرفته صنعتی هستند و هم اکنون نیز قسمت اعظم سرمایه‌گذاری آنها در این قبیل کشورها است، اما، کشورهای «مستعد» در حال توسعه نیز اهمیت روزافزونی برای سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها کسب کرده‌اند. با آنکه در رابطه با کشورهای نوع دوم

→ وارد شده توسط بمب افکن‌های امریکایی بر شرکت وابسته‌اش در آلمان، ۲۶ میلیون دلار از دولت امریکا غرامت گرفت:

Barnet & Muller (1974), P 60.

۱. متداول است که این کشورها را یا کشورهای «جهان سوم» و یا «در حال توسعه» بنامند، هیچ‌یک از این مفاهیم بیانگر وضعیت واقعی این کشورها نیستند. مفهوم «جهان سوم» بر این اشاره دارد که این دسته از کشورها راهی جدا از جهان «اول» و «دوم» برگزیده و به شکلی مستقل و بی‌ارتباط با دوجهان دیگر راه توسعه خود را می‌پیمایند. مفهوم «در حال توسعه» بر این اشاره دارد که این کشورها صرفاً «عقب‌تر از کشورهای «پیشرفته» به سوی تکامل و توسعه‌ای که کشورهای پیشرفته پیموده‌اند در حرکت هستند. پاره‌ای، بجای این مفاهیم از مفهوم اقماری «Peripheral» استفاده کرده‌اند. این مفهوم بدان معنا است که این کشورها جزء تابعی از یک نظام جهانی هستند. در این نوشته بسته به مورد از هر یک از این مفاهیم استفاده شده است. شاید مفهوم «وابسته» مناسب‌تر باشد.

قسمت اعظم سرمایه‌گذاری‌های این شرکت‌ها در منابع طبیعی و مواد خام اولیه است، لیکن سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و خدماتی نیز در کشورهایی که امکانات بالقوه بیشتری دارند، در حال گسترش است.

سرمایه‌گذاری روزافزون شرکت‌های جهانی در کشورهای در حال توسعه، که به تقسیم کار جدید جهانی و الگوی جدید سرمایه‌گذاری مربوط می‌شود، تأثیرات شگرفی بر زندگی اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی این کشورها گذارده است. عملکرد این شرکت‌ها آنچنان با جنبه‌ها و ابعاد مختلف زندگی کشورهای در حال توسعه عجین شده و درهم آمیخته که شناخت و تجزیه و تحلیل اوضاع اقتصادی و اجتماعی این کشورها بدون بررسی نقش این شرکت‌ها امری است محال. از این رو شناخت شرکت‌های چند ملیتی و چگونگی عملکرد آنها حائز اهمیت فراوانی است.

۱. مشخصات شرکت‌های چندملیتی

هنگامی که از شرکت‌های چندملیتی صحبت می‌شود، انواع گوناگونی از آن‌ها که از نظر منشأ ملی، اندازه و پراکندگی سازمانی، الگوی مالکیت و مشارکت، نوع فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاست‌های مدیریت و غیره متفاوتند، در نظر مجسم می‌شوند. اما، با وجود این تفاوت‌ها، وجوه اشتراک بین این شرکت‌ها بسیار زیاد است، و از این رو کاربرد یک عنوان عام و همگانی برای آن‌ها قابل توجیه است.

برای آنکه شرکتی تحت عنوان یک شرکت «چندملیتی» طبقه‌بندی شود باید از یک سلسله خصوصیات خاص بهره‌مند باشد: یک شرکت چندملیتی معمولاً بزرگ است، بیشتر به شکل الیگوپولی^۱ عمل می‌کند، شعب و شرکت‌های وابسته‌ای در کشورهای گوناگون

۱. Oligopoly نوعی ساخت اقتصادی است که در آن تعداد بسیار معدودی شرکت قسمت اعظم تولید یک بخش صنعتی را در دست دارند. مثلاً در صنایع اتومبیل‌سازی آمریکا، تنها سه شرکت متجاوز از ۹۲٪ تولید اتومبیل را در دست دارند. الیگوپولی که نتیجه مستقیم رشد سرمایه‌داری و تمرکز و تراکم سرمایه است، یکی از مهمترین شکل‌های سازمانی سرمایه انحصاری است.

دارد، و فروش سالانه‌اش از صدها میلیون دلار تجاوز می‌کند. با آنکه اندازه بزرگ و پراکندگی سازمانی ضابطه بسیار مهمی محسوب می‌شود، اما بر این قاعده استثناهایی نیز هست. برای نمونه، در مورد شرکت‌های ژاپنی، علاوه بر شرکت‌های غول‌پیکر، شرکت‌های کوچک نیز در سرمایه‌گذاری بین‌المللی فعالیت دارند. جنبه الیگوپولی این شرکت‌ها نیز عمومیت ندارد. برخی از «الیگوپولی»ها در سرمایه‌گذاری بین‌المللی شرکت نمی‌کنند، مانند صنایع فولادسازی، و برخی از این شرکت‌ها نیز بی‌آنکه خصوصیت «الیگوپولی» داشته باشند در سرمایه‌گذاری خارجی شرکت دارند، نظیر برخی از صنایع غذایی و کاغذ.^۱ ضابطه مشترک تمام این شرکت‌ها، فعالیت در کشورهای دیگر است. این شرکت‌ها یا از طریق شعبه^۲ و یا شرکت تابعه^۳ عمل می‌کنند. شرکت تابعه یا حالت وابسته^۴ دارد و یا حالت پیوسته^۵ ضمناً تمامی شرکت‌های مادر در کشورهای سرمایه‌داری غرب قرار دارند.

در رابطه با نوع سرمایه‌گذاری، اغلب این شرکت‌ها از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم^۶ عمل می‌کنند. این نوع سرمایه‌گذاری برعکس سرمایه‌گذاری «پورت فولیو»^۷، سرمایه‌گذاری در روند تولید است و

1. Behrman (1969) p,6

۲. Branch (بخشی از شرکت که عملیات آن در خارج صورت می‌گیرد).

۳. Affiliate (شرکتی که تحت کنترل مؤثر شرکت مادر انجام وظیفه می‌کند).

۴. Subsidiary (یعنی شرکت مادر اکثریت سهام با حق رأی را دارا است).

۵. Associate (یعنی شرکت مادر اقلیت سهام با حق رأی را دارد).

6. Direct Investment

۷. Portfolio Investment: سرمایه‌گذاری در خرید سهام و اوراق بهادار و

پرداخت وام و غیره.